

## رابطه سبک‌های دلبستگی و خلاقیت هیجانی با سازگاری تحصیلی در دانشجویان دوره‌ی کارشناسی ارشد دختر

پریا عینی<sup>۱</sup>

بهروز کریمی<sup>۲\*</sup>

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و خلاقیت هیجانی با سازگاری تحصیلی در بین دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و تحقیقات تهران بود. روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری کلیه دانشجویان دختر کارشناسی ارشد بودند. با استفاده از فرمول تاباچنیک و فیدل تعداد ۱۲۰ نفر از دانشجویان دختر کارشناسی ارشد به نحو در دسترس انتخاب شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های سبک‌های دلبستگی (کولینز و رید ۱۹۹۰) و خلاقیت هیجانی (آوریل ۱۹۹۹) و سازگاری تحصیلی (بیکر و سریاک، ۱۹۸۹) استفاده شد. داده‌ها با استفاده از رگرسیون همزمان تحلیل شد. نتایج نشان داد که خلاقیت هیجانی و دلبستگی ایمن پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنی‌دار نمره سازگاری تحصیلی بود. اما دیگر سبک‌های دلبستگی با سازگاری تحصیلی ارتباط معناداری نداشتند. بنابراین به منظور بهبود سازگاری تحصیلی دانشجویان در مقطع ارشد در نظر گرفتن خلاقیت هیجانی و دلبستگی ایمن حایز اهمیت است.

**واژه‌های کلیدی:** سبک‌های دلبستگی، خلاقیت هیجانی، سازگاری تحصیلی.

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.

<sup>۲</sup> استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران. \*نویسنده مسئول [b\\_karimipnu@yahoo.com](mailto:b_karimipnu@yahoo.com)

## مقدمه

تلاش روزمره همه انسان‌ها عموماً بر محور سازگاری دور می‌زند، یک فرد زمانی از سازگاری بهره‌مند است که بتواند میان خود و محیط اجتماعی رابطة ای سالم برقرار کند. محیط اجتماعی شامل خانواده، محل کسب و کار، مدرسه، دانشگاه و امثال آنها می‌باشد. سازگاری دارای ابعاد مختلفی است سین هاوسینگ (۱۹۹۳) سازگاری را به سه نوع اصلی تقسیم بندی کرده‌اند: سازگاری تحصیلی-سازگاری اجتماعی-سازگاری عاطفی. بیکر و سریاک (۱۹۸۹) معتقدند سازگاری تحصیلی یک مفهوم چندبعدی بوده و به معنای توانایی افراد در پاسخگویی موفقیت آمیز به تقاضای متنوع و مختلف محیط آموزشی است.

یوماتسو ماتو و لیروکس<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) تنظیم هیجان‌ها را مهم‌ترین عامل پیش‌بینی‌کننده سازگاری مثبت دانسته‌اند. وان اودن هون و واندرزس<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) در بررسی توانایی سازگاری مثبت با شرایط توانایی در تنظیم هیجان‌ها در مواجهه با تعارض‌ها و فشارها مهم‌ترین عوامل سازگاری میان فرهنگی دانسته‌اند. با مرور نظریه‌ها و تحقیقات قبلی می‌توان گفت نقش فرایند‌های مربوط به خود همچون خلاقیت هیجانی بر فرآیندهای مربوط به سازگاری برجسته و مهم است و لازم است شواهدی بر این روابط فراهم آورد. خلاقیت هیجانی در رویکردی جدید که موازی با هوش هیجانی مطرح شده است به عنوان عاملی موثر در تنظیم هیجان‌ها و بهداشت روانی مورد توجه قرار گرفته است. نظر بر این است که خلاقیت هیجانی با غنایی زندگی هیجانی شخصی در ارتباط است (آیرسویک، براکت، مایر، ۲۰۰۷).<sup>۳</sup>

ایده خلاقیت هیجانی توسط آوریل<sup>۴</sup> (۱۹۹۶) طرح شده است. او خلاقیت هیجانی را شامل سه معیار نوآوری، کارآیی و اصالت توصیف می‌کند. در این خصوص آوریل<sup>۵</sup> (۲۰۰۷) معتقد است افراد با خلاقیت هیجانی قادرند به طور صحیح موقعیت را ارزیابی و احساسات خود را ماهرانه بیان کنند. خلاقیت هیجانی جنبه‌ای از خلاقیت است که در سطوح پایین‌تر، شامل به کارگیری موثر هیجان‌ات فعلی است. و در بالاترین سطح توسعه شکل جدیدی از هیجان بر مبنای تغییر در عقاید و قوانین به وسیله هیجان‌اتی که شکل گرفته‌اند را در برمی‌گیرد. و تقریباً بر مبنای هوش هیجانی قرار دارد (آوریل، ۱۹۹۹).

یکی از عوامل موثر و مهم در رشد و تکامل انسان خانواده است. نگرش‌ها و رفتارهای والدین می‌تواند در جریان رشد و تکامل استقلال و سازگاری فرزندان تسهیل‌کننده یا مانع

<sup>۱</sup>- Leroux

<sup>۲</sup>- Hoon & Wanderers

<sup>۳</sup>- Aysuyk- Bracket- Mayer

<sup>۴</sup>- Averill

<sup>۵</sup>- Averill

باشد. سازگاری موفقیت آمیز افراد به عملکرد یک پارچه ی توانش های هیجانی بستگی دارد. وجوه خانوادگی که شامل روابط والدین و فرزندان است می تواند در ایجاد سازگاری نقش سازنده ای ایفا نماید (محمودی ۱۳۸۸). خانواده محیطی اجتماعی است که کودک را زیر چتر سرپرستی خود قرار می دهد. کودک در این محیط نوع ارتباط را می آموزد و در طی این ارتباط دلبستگی ها شکل می گیرد ویژگی بارز دلبستگی پیوند عاطفی بین دو فرد است که نوعی حس ایمنی روانشناختی را رشد می دهد. دلبستگی پیوند یا گره های هیجانی پایدار بین دو فرد است، بطوریکه یکی از طرفین کوشش می کند نزدیکی یا مجاورت با موضوع دلبستگی را حفظ کرده به گونه ای عمل می کند تا مطمئن شود که ارتباط ادامه می یابد (بالبی<sup>۱</sup>، ۱۹۸۰، ۱۹۷۳، ۱۹۶۹).

سازگاری در اصل از علم زیست شناسی نشأت گرفته است. نخستین بار داروین آن را در نظریه تکامل خود مطرح نمود. سپس این مفهوم در علوم دیگر روان شناسی و جامعه شناسی مورد استفاده قرار گرفت. این اصطلاح در معنای زیست شناختی به ساختارهای بیولوژیکی اشاره دارد که زنده ماندن انواع را تسهیل می کند و نه تنها انسان ها بلکه حیوانات و نباتات را نیز دربرمی گیرد. در روان شناسی سازگاری فرآیندی کم و بیش آگاهانه فرض می شود. که بر پایه آن فرد با محیط اجتماعی، طبیعی و فرهنگی انطباق می یابد. این انطباق مستلزم آن است که فرد خود را تغییر داده یا اینکه فعالانه تغییراتی در محیط ایجاد نماید. و در نتیجه هماهنگی لازم بین فرد و محیط ایجاد شود. چاپلین<sup>۲</sup> (۱۹۸۲) سازگاری را تغییر در فعالیت ها به منظور فائق آمدن بر موانع و ارضای نیازهای خود تعریف می کند. وی سازگاری را نوعی حل مسئله می داند که در آن ارگانسیم یا فرد نیازی دارد که نمی تواند با روش های قبلی برآورده کند. در چنین موقعیت هایی، رفتار تغییر داده می شود، تا اینکه پاسخ منجر به ارضا شود.

سازگاری، مفاهیم سازگاری، انطباق و هم نوایی تفاوت دارد. سازگاری دارای ابعاد مختلفی است. بیکر و سیریاک<sup>۳</sup> (۱۹۸۹) معتقدند سازگاری تحصیلی یک مفهوم چند بعدی بوده و به معنای توانایی افراد در پاسخگویی موفقیت آمیز به تقاضاهای متنوع و مختلف محیط آموزشی است. تلاش روزمره همه انسان ها عموماً بر محور سازگاری دور می زند. در دیدگاه های مختلف مجموعه توانایی ها و استعدادها درونی که در نحوه ی این سازگاری دخالت دارند مورد توجه قرار گرفته است. باید یادآور شد که سازگاری از بدو تولد تا پایان مرگ همراه با انسان است، و در هر برهه زمانی به گونه های خاص، فرد آن را به کار می برد. علاوه بر این سازگاری دارای عرصه های مختلفی نیز هست. مثلاً سازگاری در انتقال به محیط یا موقعیت جدید، سازگاری در روابط

<sup>۱</sup> Bowlby

<sup>۲</sup> Chapline

<sup>۳</sup> Baker & Cyrusic

بین فردی، سازگاری در موقعیتهای آموزشی که از آن به عنوان سازگاری تحصیلی یاد می‌شود. در واقع سازگاری تحصیلی ناظر بر توانمندی فراگیران در انطباق با شرایط و الزامات تحصیل و نقش‌هایی است که مدرسه به عنوان یک نهاد اجتماعی فرا روی آنها قرار می‌دهد (پتیوس ۲۰۰۶). بنابراین سازگاری را می‌توان به عنوان یک ویژگی شخصیتی و یا معادل و محصول ترکیبی از چند ویژگی شخصیتی و عوامل اجتماعی، خانوادگی، آموزشی و نظایر آن در نظر گرفت.

روسر، اکسل و استروبل (۱۹۹۸) بیان نمودند دانش‌آموزانی که در امر سازگاری تحصیلی با اشکال روبرو می‌شوند، این مشکل غالباً در سایر مؤلفه‌های سازگاری تحصیلی از جمله انگیزه‌برای یادگیری، انجام اعمالی برای برآورده ساختن الزامات و نیازهای تحصیلی، درک واضحی از هدف تحصیلی و رضایت کلی از محیط تحصیلی تظاهر می‌کند. سازگاری تحصیلی را می‌توان به عنوان داشتن نگرش‌های مثبت نسبت به اهداف تحصیلی وضع شده، کامل کردن نیازهای تحصیلی، مؤثر بودن تلاش‌های فراگیران برای رسیدن به این باور و نگرش مثبت به محیط تحصیلی بیان کرد (پوردهقان اردکانی ۱۳۸۳). همچنین، ویزمن معتقد است: سازگاری اجتماعی، انعکاسی است از تکامل مراجع با دیگران، رضایت از نقش‌های خود و نحوه عملکرد در نقش‌ها که تحت تاثیر شخصیت قبلی فرهنگ و انتظارات خانواده قرار دارند (به نقل از نوابخش، ۱۳۹۰). نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که حمایت والدین به خصوص مادران در سازگاری آموزشی، اجتماعی و فردی دانشجویان نقش مهمی را ایفا می‌کند (روشنایی، ۱۳۸۹). یافته‌های آل یاگون (۲۰۱۲) نشان داد که دلبستگی به والدین نقش بسزایی در عملکرد نوجوانان مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری دارد. نحوه برخورد مادر با کودک در چگونگی اجتماعی شدن در کسب مهارت‌های اجتماعی فرزند تاثیر بسزایی دارد. در واقع دلبستگی بین مادر و کودک شالوده اجتماعی شدن را در سال‌های بعدی پی‌ریزی می‌کند. این پیوند در ر شد سالم کودک امری جدی، گسترده و فوق‌العاده است.

دلبستگی عبارت است از پیوند عاطفی عمیقی که با افراد خاص در زندگی خود برقرار می‌کنیم. طوری که باعث می‌شود وقتی با آنها تعامل می‌کنیم احساس نشاط و شغف کرده و به هنگام استرس از اینکه آنها را در کنار خود داریم احساس آرامش کنیم. آل یاگون و مارگالیت<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) در تحقیقات خود به این نتیجه دست یافتند که دلبستگی والدین نقش منحصر بفردی در ویژگی‌های درونی کودکان مثل احساس تنهایی، حس انسجام، امید و تلاش و اختلالات

<sup>۱</sup> Rosser & Excel & Strobl

<sup>۲</sup> Al-yagon & Margalit

رفتاری دارد. گرشام و گالن<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) نشان دادند که دلبستگی والدین یا تاثیرگذاری در تعاملات آینده کودکان و همچنین، تنظیم احساسات آنان در موقعیت‌های گوناگون تا دوران بلوغ اثربخش است. سـکال، دنهام، ویزرمن<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) در مطالعه ای، ارتباط ویژگی های خانوادگی مانند دلبستگی به والدین و ساختار خانواده را با انحراف رفتاری شامل بزهکاری، مصرف مواد مخدر و سیگار در نوجوانان بررسی کردند.

نتایج نشان داد که ارتباط معنی داری بین دلبستگی والدین، به ویژه مادر با هر کدام از رفتارهای ناسازگارانه در نوجوانان وجود دارد. یافته‌ها در بعد میزان تحصیلات والدین بیانگر آن است که هر چه میزان تحصیلات والدین افزایش یابد فضای حاکم بر خانواده هم‌نوایی و همسانی کمتری خواهد داشت. و تعاملات والد و فرزند مثبت‌تر و بهنجارتر خواهد بود. در نتیجه به همان میزان، سازگاری و سلامت روانی فرزندان بیشتر تأمین خواهد شد (صادقی، ۱۳۹۰). فرآیند تحصیل به دلیل نوسانات متعدد و متفاوت، رقابت‌ها، تکالیف تحصیلی و نظایر آن، فضایی چالش برانگیز برای دانش آموزان فراهم می‌کند. که سازگاری با آن نیازمند کسب راهبردهای ویژه‌ای است (بردستانی، ۱۳۸۳). مشکلات ناسازگاری موضوع روز بوده و رابطه مستقیم با افزایش فشارهای عاطفی و هیجانی و بروز مشکلات جدید دارد (میلانی‌فر، ۱۳۸۶). بدون تردید برخی افراد دوست دارند کارهایشان را بدون هیچ نقصی انجام داده و اگر حتی یک اشتباه کوچک مرتکب شوند خود را سرزنش می‌کنند. و با این وجود سرزنش‌گری و ارزیابی منفی مشکلاتی برای سازگاری خویش ایجاد می‌کند (نجفی، ۱۳۸۳). ماتسوماتو و لیروکس (۲۰۰۶) تنظیم هیجانها را مهمترین عامل پیش بینی کننده سازگاری مثبت دانسته‌اند.

وان اودن هون و واندرزس (۲۰۰۲) در بررسی سازگاری مثبت با شرایط توانایی در تنظیم هیجانها در مواجهه با تعارض‌ها و فشارها مهمترین عوامل سازگاری میان فرهنگی دانسته‌اند. هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی به افراد و بالاخص دانشجویان کمک می‌کند، تا از استعدادها و توانایی‌های خود استفاده کنند. اگر در برخورد با هیجان‌ها با زیرکی برخورد شود پیامدهایی خواهد داشت، اگر پاسخ از شرایط مرسوم فاصله بگیرد. در این شرایط به نوعی واگرایی در ارائه پاسخ اشاره کرد. اگر این واگرایی دربرگیرنده نوعی پاسخ غیر سازنده و منفی باشد. حتی در صورت انحراف از هنجارها به عنوان یک پاسخ رخداد هیجانی خلاق مطرح می‌شود. خلاقیت هیجانی توانایی تجربه و بیان بدیع، موثر و اصیل ترکیبی از هیجان‌ها است (هاشمی، ۱۳۸۸). جوامع در دوره‌ی انتقال و تغییر، نیاز مبرمی به راه حل‌های خلاقانه برای سازگاری و آینده

<sup>۱</sup> Gresham & Gallon

<sup>۲</sup> Sokal, Dunham & Vyzerman

خویش دارند. که دانش آموزان نیز از این جریان مستثنی نیستند (حسینی، ۱۳۸۷). لذا این پژوهش با هدف تعیین رابطه سبک‌های دلبستگی و خلاقیت هیجانی با سازگاری تحصیلی انجام شد.

## روش شناسی

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانشجویان کارشناسی ارشد دختر دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ بودند. از این جامعه آماری ۱۲۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و براساس فرمول تاباچنیک و فیدل (۲۰۰۲) انتخاب شدند. جمع‌آوری داده‌ها با پرسشنامه‌های زیر انجام شد:

**الف - مقیاس دلبستگی بزرگسالان:** این مقیاس، ابتدا در سال ۱۹۹۰ به وسیله کالینز و رید تهیه و در سال ۱۹۹۶ بازنگری شد. مقیاس دلبستگی بزرگسالان، چگونگی ارزیابی فرد از مهارت‌های ارتباطی و سبک رابطه‌ی صمیمانه‌ی وی را بررسی می‌کند. کولینز و رید (۱۹۹۰) به نقل از پاکدامن (۱۳۸۰) نشان دادند که زیرمقیاس‌های نزدیک بودن، وابستگی و اضطراب در فاصله زمانی ۲ ماه و حتی در طول ۸ ماه پایدار ماندند و در مورد قابلیت اعتماد مقیاس دلبستگی بزرگسال کولینز و رید میزان آلفای کرونباخ را برای هر زیرمقیاس این پرسشنامه در ۳ نمونه از دانشجویان بالا گزارش کرده‌اند. با توجه به این که مقادیر آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از ۰/۸۰ است آزمون از اعتبار بالایی برخوردار است. از سوی دیگر در پژوهش پاکدامن (۱۳۸۰) میزان اعتبار آزمون با استفاده از درمورد (RAAS) آزمون مجدد بصورت همبستگی بین این دو اجرا مشخص شده است. این پرسشنامه ۱۰۰ دختر و پسر کلاس دوم دبیرستان که بطور تصادفی انتخاب شده بودند اجرا گردید. نتایج حاصل از دوبار اجرای این پرسشنامه با فاصله زمانی یک ماه از یکدیگر بیانگر آن بود که این آزمون در سطح ۹۵ دارای اعتبار است.

**ب - خلاقیت هیجانی:** این پرسشنامه را آوریل (۱۹۹۹) به منظور اندازه‌گیری خلاقیت هیجانی در چهار بعد نوآوری، اثربخشی، صداقت و آمادگی تهیه کرده که این ۴ ملاک مزبور در چارچوب خردهمقیاس‌های آمادگی (P)، نوآوردی (N)، اثربخشی/اصالت (E/A) سنجیده می‌شود. گاتبزه‌ای و آوریل (۱۹۹۶) ضریب پایایی آزمون را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۶ برآورد کرده‌اند و برای چهار بعد دامنه بین ۰/۸۰ تا ۰/۸۹ گزارش شده است. قدیری نژادیان (۱۳۸۱) نیز با اجرای این ابزار بر روی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی تهران، روایی این سازه را اندازه‌گیری

کرد. او با انجام تحلیل عاملی بر روی مواد آن با استفاده از روش متمایل، تغییراتی را در ابزار مذکور انجام داد. او «روایی سازه» خلاقیت هیجانی را از طریق محاسبه ضریب پیرسون میان مواد آزمون با عوامل هر ماده بدست آورد که همبستگی تناسبی میان داده های مذکور انجام داد. که به طور میانگین حدود ۰/۵ بود. جهت مطالعه ضریب اعتبار آزمون، گاتبزاهی و آوریل (۱۹۹۶)، طی دو مطالعه بر روی دانشجویان روانشناسی با استفاده از خلاقیت هیجانی دریافتند که این ابزار همسانی درونی بالایی دارد. قدیری نژادیان (۱۳۸۱) با اجرای این ابزار بر روی دانشجویان دانشگاه های دولتی تهران اعتبار این سازه را اندازه گیری کرد. همسانی درونی جهت برآورد در اعتبار با استفاده از آلفای کرونباخ نشانگر برخورداری آزمون از همسانی درونی مناسبی بود (سطح میانگین آلفای کرونباخ عوامل ۰/۵۲ بود). در تحقیق حاضر نیز آلفای کرونباخ در گروه دختران دانشجوی ورزشکار برابر با ۰/۶۸ و در گروه دختران دانشجوی غیرورزشکار برابر با ۰/۶۵ بود. در این پژوهش نیز پایایی کل آزمون با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۳۹ به دست آمد.

**پ- پرسشنامه سازگاری تحصیلی:** برای تعیین میزان سازگاری تحصیلی از خرده مقیاس پرسشنامه سازگاری با دانشگاه (SACQ) بیکر و سریاک (۱۹۸۹) استفاده خواهد شد ویژگی های روانشناسی (SACQ) در مطالعات متعدد بررسی شده است. در مطالعه بیکر و سریاک ضمن سنجش روایی صوری و محتوایی این پرسشنامه، ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس سازگاری تحصیلی بالاتر از ۰/۸۰ بود. در پژوهش میکایلی (۱۳۹۱) که در بین دانشجویان دانشگاه ارومیه انجام شده بود، ضمن سنجش روایی صوری و محتوایی این پرسشنامه، ضریب آلفای کرونباخ مساوی ۰/۸۴ به دست آمد. در پژوهش زارعی و همکاران (۱۳۹۱) نیز ۰/۸۳ بود. در این پژوهش به منظور تحلیل داده ها از آمار توصیفی که شامل میانگین و انحراف استاندارد و در آمار استنباطی از رگرسیون چندگانه همزمان استفاده شد.

## یافته ها

جدول (۱): یافته های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه
سازگاری تحصیلی	۱۰۰	۱۰۲/۶۹	۱۳/۱۹	۸۲/۰۰	۱۶۵/۰۰
خلاقیت	۱۰۰	۸۶/۸۴	۹/۹۹	۶۹/۰۰	۱۱۱/۰۰
دلبستگی ایمن	۱۰۰	۱۳/۴۶	۲/۵۶	۸/۰۰	۱۹/۰۰
دلبستگی اجتنابی	۱۰۰	۱۱/۹۱	۳/۱۵	۴/۰۰	۱۹/۰۰
دلبستگی اضطرابی	۱۰۰	۱۱/۰۸	۴/۳۸	۰/۰۰	۲۱/۰۰

همانگونه که در جدول شماره (۱) مشاهده می‌شود، از بین متغیرهای پیش بین پژوهش بیشترین میانگین به خلاقیت (۸۶/۸۴) و بیشترین انحراف استاندارد به همین متغیر (۹/۹۹) اختصاص یافته است. در میان سبک‌های دلبستگی بیشترین میانگین به دلبستگی ایمن (۱۳/۴۶) و بیشترین انحراف استاندارد به دلبستگی اضطرابی (۴/۳۸) اختصاص یافته است. با توجه به نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، توزیع داده‌های متغیرهای پژوهش نرمال بوده و لذا می‌توان از آزمون‌های پارامتریک برای تحلیل داده‌ها استفاده کرد. همانگونه که در جدول شمره (۲) مشاهده می‌شود، توزیع داده‌های سازگاری تحصیلی ( $k-s=0/80$ ) با توزیع نرمال اختلاف معناداری ندارد لذا می‌توان نتیجه گرفت که توزیع داده‌های سازگاری تحصیلی نرمال است. همچنین، توزیع داده‌های خلاقیت ( $k-s=0/84$ ) با توزیع نرمال تفاوت معناداری ندارد، لذا توزیع داده‌های متغیر خلاقیت نیز نرمال است. توزیع داده‌های متغیر دلبستگی نیز با توزیع نرمال تفاوت معناداری ندارد و توزیع داده‌ها نرمال است.

جدول (۲): مقایسه‌ی توزیع داده‌های پژوهش با توزیع نرمال

متغیر	k-s	تعداد	معناداری
سازگاری تحصیلی	۰/۸۰	۱۰۰	۰/۱۰۹
خلاقیت	۰/۸۴	۱۰۰	۰/۰۸۰
دلبستگی	۰/۸۸	۱۰۰	۰/۵۴

جدول (۳): پیش‌بینی متغیر ملاک توسط متغیرهای پیش بین

مدل همزمان	R	R <sup>2</sup>	استاندارد R <sup>2</sup>
۰/۴۰	۰/۱۶	۰/۱۳	

با توجه به ضریب تعیین اصلاح شده (۱۳ درصد) که در سطح ۰/۰۱ معنادار است، متغیرهای پیش بین به طور کلی ۱۳ درصد از واریانس سازگاری تحصیلی را تبیین می‌کند. براساس تحلیل آماری و نتایج آرایه شده رابطه بین این متغیرها معنی‌دار است.

جدول (۴): پیش‌بینی متغیر ملاک توسط متغیرهای پیش بین به طور جداگانه

متغیر	تعداد	B	بتا	سطح معناداری
خلاقیت	۱۰۰	۰/۳۷۳	۰/۲۸	۰/۰۰۴
دلبستگی ایمن	۱۰۰	۰/۸۳۵	۰/۱۶	۰/۰۰۹
دلبستگی اجتنابی	۱۰۰	۰/۷۲۸	۰/۱۷	۰/۰۹۳



دلبستگی اضطرابی	۱۰۰	-۰/۰۶۹	-۰/۰۲۳	۰/۸۲۶
-----------------	-----	--------	--------	-------

با توجه به نتایج جدول فوق، خلاقیت با بتای ۲۸ درصد در سطح ۰/۰۱ معنادار می باشد و قادر به پیش بینی متغیر ملاک است. دلبستگی ایمن با بتای ۱۶ درصد در هر دو سطح معنادار می باشد. بنابراین قادر به پیش بینی متغیر ملاک است و واریانس آن را تبیین می کند. دلبستگی ناایمن اضطرابی با بتای منفی ۲/۳ درصد در هیچ سطحی معنادار نمی باشد. بنابراین قادر به پیش بینی متغیر ملاک نیست و واریانس آن را تبیین نمی کند. همچنین، دلبستگی ناایمن اجتنابی با بتای ۱۷ درصد در هیچ سطحی معنادار نمی باشد. بنابراین قادر به پیش بینی متغیر ملاک نیست و واریانس آن را تبیین نمی کند.

### بحث و نتیجه گیری

یافته اول پژوهش حاضر با استفاده از رگرسیون چندمتغیره نشان داد که متغیر های پیش بین به طور همزمان، توان تبیین ۱۳ درصد از واریانس سازگاری تحصیلی را دارند. این یافته از مطالعه حاضر با نتایج برخی از مطالعات پیشین از جمله آل یاگون و مارگالیت<sup>۱</sup> (۲۰۱۳)، گر شام و گالن<sup>۲</sup> (۲۰۱۲)، اویوما (۲۰۱۱)، زارعی (۲۰۱۴)، رضایی و همکاران (۱۳۹۳)، عجم و همکاران (۱۳۹۵)، و سعادت و همکاران (۱۳۹۴) همسو می باشد. در تبیین این یافته از پژوهش می توان گفت، سازگاری موفقیت آمیز افراد در زندگی به ویژه تحصیل به عملکرد یکپارچه توانش های هیجانی بستگی دارد و جو خانوادگی که شامل روابط دلبستگی است، می تواند در ایجاد سازگاری نقش سازنده ای ایفا نماید روان شناسان به سازگاری فرد در برابر محیط توجه کرده اند و آن را به عنوان مهم ترین نشانه سلامت روان و جزئی از ویژگی های شخصیت بهنجار تلقی کرده اند. پژوهش های متعددی نشان داده اند سبک های دلبستگی به عنوان یک عامل تحولی در گرایشات شخصیتی و شکل گیری شخصیت یک عامل تعیین کننده مهم است.

چنانکه کارلسون و اسروف<sup>۳</sup> (۱۹۹۵)، به نقل از نادری و همکاران، (۱۳۹۳) بر اهمیت کنش سازمانی سیستم دلبستگی در یکپارچه کردن مولفه های عاطفی، اجتماعی، انگیزشی، شناختی و رفتاری تأکید کرده اند. این در حالی است که سازگاری تحصیلی مستلزم تعامل و سلامت در ابعاد مختلف از جمله مولفه های عاطفی و شناختی مانند خلاقیت هیجانی و رفتاری مانند سبک دلبستگی است. آل یاگون و مارگالیت (۲۰۱۳) در تحقیقات خود به این نتیجه دست یافتند که

<sup>1</sup>- Al-Yagon & Margalit

<sup>2</sup>- Gresham & Gullone

<sup>3</sup>- Carlson & Sroof

دلبستگی والدین نقش منحصر به فردی در ویژگی‌های شخص از جمله میزان سازگاری و تلاش فرد در زندگی دارد. همانطور که مطالعات متعدد نشان داده‌اند که تحصیل و سازگاری در حوزه تحصیلی مستلزم توجه و تلاش آگاهانه فرد است. همچنین، گرشام و گالن (۲۰۱۲) نشان دادند که دلبستگی والدین با تأثیر گذاشتن در تعاملات آینده فرد و همچنین، تنظیم هیجانات آنان در موقعیت‌های گوناگون زندگی فرد اثربخش است.

کلی و سیرین (۲۰۰۶) و ویلیامز و کلی (۲۰۰۵) گزارش کردند که نوع ارتباط بین والدین و فرزندان می‌تواند در سازگاری تحصیلی دانشجویان نقش مهمی داشته باشند. بنابراین به نظر می‌رسد حمایت و محبت والدین بر موفقیت‌های دانشجویان و سازگاری تحصیلی آنان نقش موثری دارد. کاوالسکی (۲۰۰۵) در پژوهشی نشان داد الگوی دلبستگی افراد، پیش‌بینی مطمئنی برای تبیین تفاوت‌های آن‌ها در ابعاد روان‌شناختی، وابستگی‌های اجتماعی، شناخت اجتماعی، روابط رومان‌تیک زناشویی، میزان کنترل بر استرس‌ها و هیجانات، واکنش به جدایی‌ها، کارآمدی در روابط میان فردی و طرحواره افراد نسبت به خود و دیگران است. در نهایت می‌توان استدلال نمود که سازگاری تحصیلی و به‌طور کلی سازگاری فرد به ترکیبی از هیجانات باز و انعطاف‌پذیر (هیجانات خلاق) و احساس امنیت و ثبات در زندگی (دلبستگی ایمن) می‌باشد. دیگر یافته‌های پژوهش حاضر با استفاده از ضریب همبستگی و رگرسیون نشان داد که بین خلاقیت هیجانی با سازگاری تحصیلی در بین دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارتباطی معناداری وجود دارد ( $P < 0.05$ ). این یافته‌ها از پژوهش‌های دیگری با نتایج مشابه (۱۳۹۳)، زارع نژاد (۲۰۱۱)، زارعی (۲۰۱۴)، رامی و همکاران (۲۰۱۳)، رضایی و همکاران (۲۰۱۳)، زارع نژاد (۱۳۹۰) و عجم و همکاران (۱۳۹۵) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته‌ها از پژوهش حاضر می‌توان گفت، به‌سبب عناصر اساسی در متغیر خلاقیت هیجانی استدلال نمود. خلاقیت هیجانی نشان‌دهنده‌ای است که خلق مثبت و سلامت روان‌شناختی به فرد در بهتر انجام دادن و یکپارچه نمودن اطلاعات و همچنین، حل خلاقانه مسائل و افزایش تفکر واگرا و کارآمدتر کمک می‌کنند. خلاقیت هیجانی با غنای زندگی هیجانی شخص مرتبط بوده و اغلب تجلی و نمایش بیان آزاد است و در بین فرایندهای عالی تفکر در بالاترین سطح قرار دارد در مقابل هیجانات اغلب تجلی برانگیختگی‌های درونی افراد است به گونه‌ای که فرد را در ارائه پاسخ محدود می‌سازد.

در واقع افراد دارای خلاقیت هیجانی بیش از سایرین برای شناخت هیجانات زمان می‌گذارند، تلاش می‌کند و توجه و دقت بیشتری به هیجانات خود و دیگران دارند و این در حالی است که لازمه سازگاری در زندگی و به‌ویژه در زمینه تحصیلی برخورداری از توجه و دقت می‌

با شد. از جمله عنا صری که در خلاقیت هیجانی مطرح می شود عن صر بداعت است. مطابق با تحقیقات متعدد از جمله مطالعات گیلفورد برای خلاقیت و عملکرد بهتر در حوزه تحصیل به تفکر واگرا که در واقع می تواند همان بداعت باشد، نیاز است. از این جهت خلاقیت هیجانی می تواند احساسات، عواطف و انگیزش دانشجویان را نسبت به نظام آموزشی به طور اعم و رشته تحصیلی و سازگاری در تحصیل به طور اخص تحت تأثیر قرار دهد. از سوی دیگر، می توان گفت سازگاری تحصیلی ناظر بر توانمندی فراگیران در انطباق با شرایط و الزامات تحصیل و نقش هایی است که در محیط آموزش به عنوان یک نهاد اجتماعی فرا روی آن ها قرار دارد و در این زمینه به ویژه عناصر اثربخشی، بداعت و صداقت می توانند نقش موثری ایفا نمایند.

تا زمانی که فرد از به درجه لازم از ابراز وجود مناسب خود (صداقت)، توانایی بروز روش های جدید و نوآورانه (بداعت) و توان بسط خطوط فکری و برقراری روابط بین فردی و اجتماعی مناسب (اثربخشی) نباشد، نمی تواند سازگاری و از این میان سازگاری تحصیلی داشته باشد. همچنین، می توان گفت از نظر شناختی ابراز هیجانات مثبت باعث می شود که افراد پیون های تازه ای بین ایده ها ببینند، اطلاعات را سازمان دهند، یکپارچه سازند و راه حل های جدیدی را برای مشکل، خلق کنند. خلاقیت ناشی از این هیجانات، آمادگی فرد را برای درگیر شدن در فعالیت های مختلف بهبود و ارتقاء می بخشد. در این موقع افراد در برابر موانع و مشکلات انعطاف پذیر می شوند؛ بنابراین، هیجانات مثبت به طور مستقیم با سطوح بالای خلاقیت مرتبط می گردند.

نتایج پژوهش حاضر همچنین، با استفاده از ضریب همبستگی و رگرسیون نشان داد که بین دلبستگی ایمن با سازگاری تحصیلی در بین دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد رابطه معناداری وجود دارد ( $P < 0/05$ ). این یافته از مطالعه حاضر با نتایج برخی از مطالعات پیشین از جمله آل یاگون و مارگالیت (۲۰۱۳)، گرشام و گالن (۲۰۱۲)، و سعادت و همکاران (۱۳۹۴) هم سو می باشد. در تبیین این نتایج می توان به دیدگاه بالبی در حوزه دلبستگی اشاره نمود. بالبی معتقد بود که سبک های دلبستگی در کودکی شکل می گیرند و دارای اثرات ماندگاری در طول زندگی فرد و در سطوح مختلف زندگی فرد می باشند. وی معتقد بود که سبک دلبستگی ایمن با متغیرهای سلامت جسمانی، روان شناختی، عملکرد مطلوب اجتماعی و تحصیلی و روابط مطلوب بین فردی در ارتباط بوده و در مقابل سبک های نایمن (اجتنابی و دوسوگرای- اضطرابی) با مشکلات جسمانی، اختلالات روان شناختی و عملکرد ضعیف اجتماعی و بین فردی در ارتباط است.

به طوری که شکست برای رسیدن به دلبستگی ایمن در کودکی منجر به پریشانی روان شناختی و عملکرد ضعیف در بزرگسالی می‌گردد. یکی از تکالیف دوران بزرگسالی و جوانی عملکردهای تحصیلی و از این میان سازگاری با تحصیل می‌باشد. بنابر اعتقاد میلر<sup>۱</sup> (۱۹۸۳)، به نقل از زارع نژاد، (۱۳۹۰) سازگاری فرآیندی روانی است که در افراد انسانی از عوامل مختلفی از جمله مجموعه محرک‌ها، امکانات و کنش‌های محیطی تأثیر می‌پذیرد. و سازگاری تحصیلی را می‌توان به عنوان نگرش‌های مثبت نسبت به اهداف تحصیلی وضع شده، کامل کردن نیازهای تحصیلی، مؤثر بودن تلاش‌های فراگیران برای رسیدن به این باور و نگرش مثبت نسبت به محیط تحصیلی بیان کرد و این نگرش مثبت می‌تواند در رابطه با سبک دلبستگی ایمن ایجاد گردد. دیگر یافته پژوهش حاضر با استفاده از ضریب همبستگی و رگرسیون نشان داد که بین دلبستگی‌های نایمن (اجتنابی و دو سوگرا-مضطرب) با سازگاری تحصیلی در بین دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد رابطه معناداری وجود ندارد ( $P > 0/05$ ).

این یافته از پژوهش حاضر با نتایج مطالعات پیشین از جمله ولیوارس و بوسما (۲۰۰۵)، آقاییوسفی و همکاران (۱۳۹۴)، زارع نژاد (۱۳۹۰)، کوهی مفتخری و همکاران (۱۳۹۵) و بهادری (۱۳۹۱) ناهمسو می‌باشد. در تبیین این یافته از مطالعه حاضر می‌توان گفت یکی از متغیرهایی که می‌تواند بر سازگاری تحصیلی دانشجویان تأثیر بگذارد، سبک‌های دلبستگی است. دلبستگی در واقع پیوند عاطفی نیرومندی است که هر فرد با افراد خاصی از زندگی‌اش برقرار می‌سازد. تجارب دلبستگی اولیه مراقبان احساسات، افکار و رفتار را در روابط بعدی شکل می‌دهند و هدایت می‌کند. لویز و همکاران (۲۰۰۹) نشان دادند که بین دلبستگی نایمن (اجتنابی و دو سوگرا-مضطرب) در بزرگسالان و شاخص‌های وسیعی از ناسازگاری و درماندگی روان شناختی ارتباط قوی وجود دارد. در واقع، دلبستگی جهانی قابل اعتماد را برای فرد به وجود می‌آورد و فرد به این باور می‌رسد که می‌تواند بر محیط خویش تأثیر بگذارد و آن را تحت کنترل خود در آورد و فرد برای سازگاری نیازمند باور به توانایی و کنترل بر محیط می‌باشد.

اما در افراد دارای دلبستگی‌های نایمن (اجتنابی و دو سوگرا-مضطرب) افراد نمی‌توانند به درستی به دیگران اعتماد کنند، و تکیه کردن در روابط برایشان دشوار است. همچنین، این افراد همواره نگران این هستند که طرد شوند. زمانی که فرد در نگرانی و ناآرامی باشد و ثبات و امنیت را در روابط عاطفی و بین فردی نداشته باشد، از تلاش و تمرکز جهت برقراری روابط سالم و بین فردی و حضور آگاهانه در موقعیت‌های اجتماعی و تحصیلی ناتوان خواهد بود. به عنوان مثال، این افراد در فعالیت‌های دانشگاهی گروهی نمی‌توانند آنگونه که مناسب است مشارکت و

<sup>۱</sup>- Miller

تعامل داشته باشند و همین انزوا و عدم اعتماد در روابط و نیز ناباوری به توان دخل و تصرف خود در امور می تواند با ناسازگاری در فرد به ویژه در زمینه آموزشی و تحصیلی همراه باشد. همچنین، می توان گفت هر عاملی که جریان سازگاری تحصیلی را دچار مشکل نماید، زمینه را برای ناسازگاری فرد در محیط فراهم می سازد. اجزای سازگاری تحصیلی عبارتند از رضایت از محیط آموزشی، حضور منظم در محیط و دوست داشتن آموزش دهند. در تبیین ناهمخوانی بین یافته حاضر از پژوهش با نتایج مطالعات پیشین که نشان داده اند بین دلبستگی نایمن با سازگاری تحصیلی در افراد رابطه منفی و معناداری وجود دارد می توان به ابزارهای پژوهشی متفاوت، جنسیت و سن گروه مورد پژوهش، سوگیری و تحریف در پاسخ دهی از جانب دانشجویان با توجه به دیدگاه منفی اغلب دانشجویان نسبت به موثر بودن نتایج پژوهش در حوزه مطالعات داخل کشور اشاره نمود. این مطالعه نیز با محدودیت هایی مواجه بوده است. با توجه به اینکه جمعیت مورد مطالعه تنها دانشجویان دختر در مقطع کارشناسی ارشد بوده است، لذا باید در تعمیم نتایج به دیگر جمعیت های آموزشی در کشور جوانب احتیاط را رعایت نمود. همچنین، طولانی بودن پرسشنامه ها نیز ممکن است باعث کم شدن انگیزه دانشجویان در پاسخ دهی و تحریف پاسخ شده باشد. پیشنهاد می شود پژوهش هایی با این عنوان در نمونه های بزرگتر و در مقاطع تحصیلی مختلف انجام شود. پیشنهاد می شود این پژوهش به صورت مقایسه بین پسران و دختران انجام گیرد. خلاقیت هیجانی سازه ی جدیدی است که در مرحله اکتشاف قرار دارد، و لزوم اجرای پژوهش های مختلف را افزایش می دهد؛ به ویژه در کودکان به عنوان کسانی که توانایی آموزش و پرورش را دارند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

- احدی، ب. (۱۳۸۸). بررسی رابطه مشکلات رفتاری کودکان دارای اختلال یادگیری باهوش هیجانی، تحمل ابهام و پنج عامل شخصیت مادران آن‌ها، دانشگاه محقق اردبیلی-دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- احدی، ع.، حاتمی، م.، و اسدزاده، ح. (۱۳۹۱). تاثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بر سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. ۲(۵): ۱-۱۱.
- اکبرزاده، ع.، حسین پورلمگرودی، ف.، و مصباح، ن. (۱۳۸۹). بررسی تحولی سبک‌های تفکر در دانش‌آموزان و رابطه آن‌ها با خلاقیت و پیشرفت تحصیلی، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی. ۲(۳): ۳۵-۵۶.
- بردستانی، ع. (۱۳۸۳). بررسی تاثیر باورهای مذهبی بر رفتار نوع دوستانه و سازگاری تحصیلی در دانش‌آموزان سال آخر دوره متوسطه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- حاجی‌شمسایی، م.، کارشکی، س.ا.، و یزدی، ا. (۱۳۹۲). نقش خودتنظیمی در سازگاری تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی. ۱۴(۵): ۵۱-۶۵.
- حسینی نسب، س. د. (۱۳۸۴). رابطه هوش هیجانی با سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان سوم راهنمایی شهر تبریز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روان‌شناسی، دانشگاه تبریز.
- حسینی، س. ش. (۱۳۸۸). اثربخشی آموزشی مؤلفه‌های درون‌فردی و بین‌فردی هوش هیجانی بر سبک‌های دلبستگی در دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر رشت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- حیدری، م.، حسینیان، س.، و رسولی، ر. (۱۳۹۵). رابطه انواع سبک‌های دلبستگی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه. مجله روان‌شناسی تربیتی. ۱۲(۴): ۱۰-۲۱.
- زارعی، ح. ع.، میرهاشمی، م.، پاشاشریفی، ح. (۱۳۹۱). پایان‌نامه مقایسه اختلالات رفتاری، سبک‌های دلبستگی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ۱۲-۱۷ ساله و عادی و ساکن در خوابگاه (بانک مقالات و پایان‌نامه‌ها و پروژه‌های دانشجویی، ارتباط سبک‌های تفکر با سازگاری تحصیلی در دانشجویان پرستاری).
- سلیمانی، ن.، و خاکساری، ل. (۱۳۸۷). مطالعه جهت‌گیری کنترل شاگرد در میان مدیران و معلمان و رابطه آن با رفتار انضباطی دانش‌آموزان در مدارس راهنمایی‌سمنان، فصلنامه‌اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی. ۳(۴): ۵۳-۷۱.

شفیع آبادی، ع.، نوایی نژاد، ش.، و نورانی پور، ز. (۱۳۹۲). بررسی اثربخشی مشاوره گروهی با رویکرد طرحواره درمانی بر افزایش شادکامی سالمندان ساکن سرای سالمندان تبریز. زن و مطالعه خانواده. ۱۹(۵):۷-۹۳.

متین نژاد، س. ا. (۱۳۹۰). مقایسه اثربخشی توانایی حل مسأله بر سازگاری و پیشرفت تحصیلی در بین دانش آموزان دختر متوسطه شهر مشهد. مجله مشاوره و روان درمانی. ۱۰(۹):۲۱-۱۱.

مظاهری، م. ع. (۱۳۷۹). با دلبستگی نایمینی کودکان چه باید کرد (مروری بر راهبردهای پیشگیری و درمان). فصلنامه اصول بهداشت روانی. ۱۳(۵):۳۲-۴۴.

Al-Yagon, M., & Margalit, M. (2013). Social cognition of children and adolescents with LD: intrapersonal and interpersonal perspectives. In: Swanson HL, Harris K, Graham S (eds) Handbook of learning disabilities, 2nd edn. Guilford Press, New York, pp 278–292.

Averill, J.R & Nunley, E.P, (1992). Voyages of the heart: Living an emotionally creative life, New York, Macmillan.

Averill, J.R. (2007). Together again Emotion and intelligence

Averill, J.R. (1999). Individual differences in emotional creativity:

Averill, J.R. (1980). A constructivist view of emotion. In R. Plutchik and H. Kellerman (Eds), Emotion:

Averill, J.R. (1999). Individual differences in emotional creativity: structure and correlate, Journal of Personality 6, 342-371.

Bowlby, J. (1977). The making and breaking of affectional bonds, British Journal of psychiatry, 130, 201-210.

Bowlby, J. (1980). Attachment and loss: Vol. 3 Loss, sadness, and depression, New York, Basic Books.

Bowlby, J. (1988). A secure base: Clinical applications of attachment theory, London, Routledge.

D., Tatani, H. (2006). The robustness of the intercultural adjustment Potential scale (ICAPS): The search for a universal psychological engine of adjustment. International Journal of Intercultural Relation, 27(5), 543-562.

Dalgleish and M.J. Power (Ed.), Handbook of Cognition and emotion. New York: John Wiley and Sons. emotion recognition and emotion regulation on intercultural adjustment. International Journal of Intercultural Relation, 30, 345-363.

Fuchs, G.L, Kumar, V.K & Porter, J. (2007). Emotional creativity, alexithymia, and styles of creativity, Creativity Research Journal, 19(2-3):233-245.

Garnefski, N., and Kraaij, V. (2006). Relationships between cognitive

Kirkpatrick, L.A, & Davis, K.E. (1994). Attachment style. Gender, and relationship stability: A longitudinal analysis. Journal of Personality and social Psychology.

- Kirkpatrick, L.A., & Davis, K.E. (1994). Attachment style, Gender, and relationship stability: A longitudinal analysis. *Journal of Personality and social Psychology*.
- Main, M.; Kaplan, N. & Cassidy, J. (1985). Security in infancy, childhood and adulthood: A move to the level of representation monographs of the society for research in child development. *Child Development*, 50, 66-104.
- Matsumoto, D., and LeRoux, J.A., Iwamoto, M., Chio, J.W., Rogers, D., Tatani, H., et al. (2003). The robustness of the intercultural adjustment Potential scale (ICAPS): The search for a universal psychological engine of adjustment. *International Journal of intercultural Relation*, 27(5):543-562.
- Mayer, J.D., Caruso, D., & Salovey, P. (2000). Emotional intelligence meets traditional standards for an intelligence. *Intelligence*, 27(4):267-298.
- Mikulincer, M & Nachshon, O, (1991). Attachment style and patterns of self-disclosure, *Journal of Personality and Social Psychology*, 61, 321-331.
- Mikulincer, M. (1998). Attachment working models and the sense of trust: An exploration of interaction goals and affect regulation. *Journal of Personality and Social Psychology*, 74, 1209-1224.
- Pettus, K.R. (2006). The relationship of parental monitoring to community college student adjustment and achievement: Differences by gender, ethnicity, parental education level, and student residence. Unpublished Ph.D. thesis, Carolina University.
- Pistole, M.C. (1989). Attachment in adult romantic relationships: Style of conflict resolution and relationship satisfaction. *Journal of Social and Personal Relationships*, 6(23):505-510.
- Reed-Victor, E. (2004). Individual differences in early school adjustment: Teacher appraisals of young children with special needs. *Early child development and care*: 114(1).59-79).
- Salovey, P & Mayer, J.D. (1990). Emotional intelligence, Imagination, cognition and personality, 9 (3):185-211.
- Sternberg, R.J. (2001). What is the common thread of creativity? Its dialectical relation to intelligence and wisdom, *American Psychologist*, 56(3):360- 362.
- Tanyi, M.E (2002). The student's adjustment inventory manual, TFE Theory, research and experience: vol. I. Theories of emotion (pp. 305-339), New York, Academic Press.
- Walters, A. (2003). Understanding procrastination from a self-regulated learning perspective. *Journal of Educational Psychology*, 95, 179-187.



## Relationship between Attachment Styles and Emotional Creativity with Academic Adaptation in Students of the Master's Degree

Paria eini<sup>1</sup>

behrooz karimi<sup>\*</sup>

### Abstract

The purpose of this study was to investigate the relationship between attachment styles and emotional creativity with academic compatibility among female undergraduate students of Tehran university of science and research. The research method was descriptive-correlational. The statistical population was all female undergraduate students. Using the Tabachnick and Fidel formula, 120 attachment styles questionnaires (Koolin's, Reed 1990) and emotional creativity (Averill 1999) and academic adjustment (Baker.Syria 1989) were used. The data were analyzed using simultaneous regression. The results showed that emotional creativity and secure embeddedness were a positive and significant predictor of academic adjustment, but there was no significant relationship between attachment affiliation and educational adaptability. The results showed that emotional creativity and secure attachment was a positive and significant predictor of academic adjustment.

**Key words:** Attachment styles, Emotional creativity, Academic adaptability.

---

<sup>1</sup>Master of Educational Psychology, Islamic Azad University, Science and Research Branch of Tehran, Iran.

<sup>\*</sup>Assistant Professor, Islamic Azad University, Science and Research Branch of Tehran, Iran, responsible author

[b\\_karimipnu@yahoo.com](mailto:b_karimipnu@yahoo.com)